

فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۵ - ۲۸

تاریخ‌نگاری نظامی عصر اسلامی از آغاز تا پایان عصر ممالیک (۹۲۳-۶۴۸)

اصغر قائدان^۱

چکیده

گزارش نبردهای اعراب از نگارش‌های مورد توجه در تاریخ‌نگاری اسلامی بود. در منابع اسلامی حدود ۱۴۰۰ درگیری بین قبایل عرب جاهلی ثبت شده است. در دوره اسلامی نیز گزارش دقیق جنگ‌های پیامبر ﷺ و فتوحات دوره خلفاً از مهمترین مباحث مورد توجه مورخان اسلامی بوده است؛ تا جایی که به تدریج دسته‌ای از مورخان نظامی ظهور یافتد که بطور تخصصی به مباحث نظامی از جمله سازمان و سازماندهی، تسليحات و فن آوری نظامی، شیوه‌های جنگی، طرح ریزی نظامی و انواع جنگ‌ها پرداختند و به این ترتیب شکل جدیدی از تاریخ‌نگاری یعنی «تاریخ‌نگاری نظامی» به وجود آمد. این تحقیق بر آن است تا با معرفی آثار مطرح در حوزه تاریخ‌نگاری نظامی و اشکال گوناگون آن در دوره اسلامی تا پایان عصر ممالیک، عوامل تأثیرگذار بر این نوع تاریخ‌نگاری را مطرح سازد. داده‌های تاریخی نشان می‌دهد به سبب اهمیت جهاد در اسلام، پیچیدگی جنگ‌ها و انتقال میدان‌های جنگ از صحرا به شهرها و سپس به دریاها، تحول در فن آوری تسليحات، سازماندهی و روش‌های جنگی، تخصصی شدن حوزه جنگ و شکل‌گیری رسته‌های نظامی باعث توجه ویژه به تاریخ‌نگاری نظامی و نهایتاً ظهور مورخان جنگ و تدوین آثار تخصصی در این حوزه شده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری نظامی، جنگ در اسلام، جهادیه‌نگاری، فتوح‌نگاری، مغازی‌نگاری.

۱- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. qaedian@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۵

درآمد

ثبت تاریخ جنگ‌ها از عصر جاهلیت تا دوره اسلامی یکی از دغدغه‌های مهم مورخان بوده تا با ویف دقیق آنها، افتخارات زمان خود را جاودانه سازند. ثبت شجاعت‌ها و حماسه‌های دلاوران می‌توانسته پرونده تفاخرات قبیله‌ای و حتی دینی را در برابر دشمنان، با شکوه نماید. چه بسا در این امر تلاش می‌شد تا به خواست حاکمان، نقاط ضعف و شکست‌ها اندک جلوه داده شود و بالعکس بر پیروزی‌ها بیشتر تأکید گردد. از این‌رو دسته‌ای از مورخان از جمله واقدی، بلاذری، ابن اعثم کوفی و موسی بن عقبه در کنار نگارش‌های تاریخی، به ثبت جنگ‌ها در قالب مجازی و فتوح نیز پرداختند. اما در این میان برخی از فرماندهان و یا اندیشمندان نظامی نظیر هرثمشی شعرانی، طرسوسی و ابن ارنبغا، به صورت تخصصی به انعکاس زوایای جنگ‌ها پرداخته‌اند. هدف از این نوع تاریخ‌نگاری، گزارش، ثبت و وصف جنگ‌ها و نیز اموری چون سازماندهی، بسیج نیروها، مسیرهای لشکرکشی، موقعیت جغرافیایی منطقه، موقعیت استقرار نیروها، تسليحات و تاکتیک‌های جنگی است. بر این اساس به آثاری که به بیان سیر تحولات نظامی، سازماندهی، تاکتیک، ایده‌های راهبردی، رهبری نظامی و سیر اندیشه‌های نظامی و شرح وقایع جنگ‌ها می‌پردازند «تاریخ‌نگاری نظامی»^۱ اطلاق می‌شود (Dupuy, p1465).

با بعثت رسول خدا^{صلوات الله عليه و آله و سلم} ایام العرب عصر جاهلی پایان یافت اما جهاد برای حفظ کیان دین از وظایف شرعی قلمداد شد. بدیهی است ثبت این وقایع نیز انگیزه‌های دینی جدی را می‌طلبد. با گسترش فتوح در عصر خلفا، جنگ با سیاست گره خورد و انگیزه‌های سیاسی در کنار انگیزه‌های جهادی، گشايش سرزمهinها را رقم زد و مورخان را به سمت تدوین آثار متعددی چون فتوح سوق داد. اندک اندک دسته‌ای از مورخان نظامی نیز ظهور یافتند که در عرصه‌های تخصصی به نگارش آثار پرداختند.

این نوشتار برآن است تا نشان دهد که مسلمانان به چه علت و انگیزه‌هایی به تاریخ‌نگاری نظامی توجه کرده‌اند، ابعاد و اشکال آن چگونه بود؟ و آثار تدوین شده در





این حوزه چه محورهای تخصصی را در بر می‌گرفت؟

پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌های این حوزه یا پیرامون تاریخ نظامی است که اغلب به شرح جنگ‌ها پرداخته و یا صرفاً در زمینه یکی از محورهای تاریخ‌نگاری نظامی است. با این حال در بعضی از آنها، آثار برخی از مغازی‌نگاران مثل واقدی و موسی بن عقبه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. مقاله «بررسی دانش مغازی‌نگاری با تأکید بر مغازی واقدی»، مهدی یعقوبی و حامد متظری مقدم (۱۳۹۳ش)، صرفاً به شرحی از مغازی‌نگاران نخستین پرداخته و تأکید آنان صرفاً بر واقدی است. حسین مرادی نسب (۱۳۸۸ش) نیز در مقاله «موسی بن عقبه، پیشگام در سیره‌نگاری و کتاب مغازی او»، اگر چه کار جامعی در مورد شیوه نگارش موسی بن عقبه ارائه کرده ولی بر یک شخصیت و یک اثر متمرکز گردیده است. همچنین راضیه مازندرانی (۱۳۸۱ش) در مقاله «معرفی و بررسی کتاب فتوح البلدان»، و حسین عزیزی (۱۳۹۰ش) در «درآمدی بر کتابشناسی توصیفی فتوح‌نگاری اسلامی»، به معرفی کتاب‌های فتوح پرداخته‌اند. اصغر قائدان (۱۳۹۰ش) در مقاله «تأثیر روایت ایام‌العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری» و مقاله «قواعد حقوق جنگ در اندیشه فقهای شیعه» به زمینه‌های تاریخ‌نگاری نظامی و اندیشه سیاسی توجه کرده است. محمد نورمحمدی و حسین بیاتلو (۱۳۹۳ش) در مقاله «انواع منجنيقات دوره اسلامی» اطلاعات دقیقی از این سلاح ارائه کرده‌اند. با این همه اثر جامع و مستقلی پیرامون تاریخ‌نگاری نظامی در عرصه‌ها و اشکال مختلف آن به رشته تألیف در نیامده است.

الف- اشکال تاریخ‌نگاری نظامی

۱. جهادیه نگاری

قرآن کریم مسلمانان را به جنگ مشروع، یعنی جهاد فی سبیل الله ترغیب می‌کرد،^۱ از این‌رو مورخان مسلمان با توجه به رهنمودهای قرآنی و نیز حضور شخص رسول

^۱- انفال/۶۵؛ توبه/۱۹، ۲۰، ۴۱؛ بقره/۱۴۵.

خدا ^{تعالیٰ} در آن جنگ‌ها، به مثابه یک وظیفه دینی و به امید برخورداری از ثواب اخروی به ثبت و گزارش آیات، روایات، فضایل جهاد و مجاهدت در راه خدا می‌پرداختند. اگرچه نوشن آثاری تحت عنوان «جهادیه» در دوران معاصر باب شد، اما جهادیه نگاری سابقه‌ای طولانی در اسلام دارد. نخستین کسی که در این باب تألیفی نگاشت عبدالله بن مبارک (متوفای ۱۸۱) بود، که روایات او از طریق اوزاعی، سفیان ثوری نقل شده و البته اثر او با عنوان *الجهاد امروزه بازسازی و موجود است*.^۱ پس از او ابن ابی عاصم (متوفای ۲۸۷)،^۲ مقدسی حنبلی (متوفای ۶۲۳)،^۳ مقربی (متوفای ۶۱۸)،^۴ ابن عساکر (متوفای ۵۷۱)،^۵ ابن بطه العکبری (متوفای ۳۸۷)^۶ و ابن اصیغ ازدی (متوفای ۶۲۰)^۷ هر یک اثری مستقل در این خصوص تدوین کرده‌اند.

۲. مغازی نگاری

برخی مؤلفان کوشیده‌اند تا به‌دقت جنگ‌های عصر پیامبر ^ﷺ را در قالب مغازی گزارش کنند، همان انگیزه‌هایی که در جهادیه نگاری دیده می‌شود به شکلی دیگر در مغازی نگاری هم وجود دارد یعنی بر جسته ساختن مجاهدت‌های غازیان در پوشش ایمان و انگیزه جهادی (ابن هشام، ۶۸۰/۱، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۸۵). بسیاری از مغازی نویسان در آن نبردها حضور داشته و مشاهدات خویش را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی منتقل ساخته‌اند. این سبک امروزه «تاریخ نگاری شفاهی جنگ» نامیده می‌شود. به‌ویژه که ثبت این حضور می‌توانست برای بازماندگانشان افتخارآمیز باشد. به سبب اهمیت این امر، تعدادی از صحابه خود را وقف خدمت به ثبت مغازی آن حضرت کردند. برای نمونه عبدالله بن عباس روزی را در هفته به برپایی جلسه‌ای برای بیان مغازی رسول خدا ^{تعالیٰ} اختصاص می‌داد و نیز ابن شهاب زهری (متوفای ۱۲۴) که در

۱- تحقیق، نزیه حماد، الدار التونسیة، تونس، ۱۹۷۲.

۲- *الجهاد*، تحقیق، مساعد بن سلیمان الراشد، مکتبه العلوم والحكم، مدینه منوره، ۱۴۰۹ق.

۳- *فضل الجهاد والمجاهدين*، تحقیق، مبارک بن سیف الهاجری، الدار السلفیة، ۱۴۰۸ق.

۴- *كتاب الأربعين في الجهاد والمجاهدين*، حققه، بدر بن عبد الله، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۵ق.

۵- *الأربعون في الحث على الجهاد*، دار الخلفاء، کویت، بی‌تا.

۶- *سبعون حديثاً في الجهاد*، تحقیق، یسری عبد الغنی، مکتبه القرآن، قاهره، بی‌تا.

۷- *الإنجاد في أبواب الجهاد*، تحقیق، آل سلمان، دار الإمام مالک، مؤسسه الریان، بی‌تا.



علم سیره و معازی گوی سبقت را از هم عصران خود ریوده بود. از برادرزاده وی نقل شده که عمومیم می‌گفت: «در علم معازی علم دنیا و آخرت قرار دارد». همچنین نواده سعد بن ابی وقاراً گوید: پدرم به ما معازی و سرایای رسول خدا^{علیه السلام} را می‌آموخت و می‌گفت: «ای فرزندم این آثار و سوابق پدرانتان است، ذکر آن را رها نکنید و ضایع نگردانید» (عواجمی، ۹/۱).

همچنین از امام سجاد^{علیه السلام} نقل شده است: «ما معازی رسول خدا^{علیه السلام} را آموزش می‌دادیم چنانچه سوره‌های قرآن را» (ابن کثیر، ۳۵۵/۳). موسی بن عقبه (متوفی ۱۴۱)، معازی‌نویس مشهور مدینه، علت اصلی دست زدن به نگارش معازی را اتهام وارد به یکی از معازی‌نویسان^۱ می‌داند که این امر او را واداشته تا به ثبت دقیق معازی رو آورد (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۱۶/۶)، لذا مالک بن انس درباره اهمیت کار او گفته: «کسی که نامش در کتاب موسی بن عقبه آمده، در بدر حضور داشته و کسی که نامش در کتاب وی نیست، در بدر حضور نداشته است» (نک. مرادی نسب، مروری بر کتاب معازی موسی بن عقبه، ۱۱۶). از نخستین کسانی که به گزارش این جنگ‌ها پرداختند، می‌توان به تابعانی چون عروه بن زبیر (متوفی ۹۲)، کریب بن ابی مسلم (متوفی ۹۸)، ابان بن عثمان بن عفان (متوفی ۱۰۵)، ابو عبدالله عکرمه (متوفی ۱۰۵)، وهب بن منبه (متوفی ۱۱۰)، عاصم بن عمر بن قتاده (متوفی ۱۲۰)، ابن شهاب زهری (متوفی ۱۲۴)، موسی بن عقبه (متوفی ۱۴۱)، ابن اسحاق (متوفی ۱۵۰)، ابان بن عثمان الاحمر (متوفی ۱۷۰) اشاره داشت که برخی از آنان کتابی نیز در شرح جنگ‌های پیامبر^{علیه السلام} نگاشتند اما متأسفانه عمدتاً از بین رفته است.

نسل دوم معازی‌نویسان، نیز با همین انگیزه‌ها به کار ثبت غزوات و سرایای روی

۱- منظورش ابوعبد، شُرحبیل بن سعد (متوفی ۱۲۳) از تابعین است که فهرستی از نام مهاجران به حشه و مدینه، رزم‌دگان بدر و احمد را فراهم آورد. سفیان بن عینه درباره او می‌گوید: صاحب فتو و آگاهترین افراد به معازی پیامبر^{علیه السلام} و شرکت‌کنندگان در بدر بود که مورد اتهام قرار گرفت و معازی‌اش از چشم مردم افتاد. بیشتر محدثان، وی را تضعیف کرده‌اند که شاید به این علت باشد که در اواخر عمرش به سبب کهولت سن دچار تناقض گویی می‌شد. با این حال گفته شده است وی به جهت نیاز مالی، حضور پدر کسی را که نزدش می‌آمد و چیزی به او نمی‌داد در بدر منکر می‌شد یا برای کسانی که سابقه‌ای در بدر نداشتند، سابقه درست می‌کرد (مرادی نسب، «مروری بر کتاب معازی موسی بن عقبه»، ۱۱۶).

آوردند. آثار کسانی چون ابن شهاب زهری،^۱ ابان بن عثمان الاحمر،^۲ موسی بن عقبه،^۳ ابن اسحاق،^۴ واقدی،^۵ کلاعی البلنسی،^۶ ابی زید قیروانی،^۷ ابن حبیش،^۸ ابن عبدالبر نمری^۹ که امروزه موجودند و نیز آثار فراوانی که از میان رفته‌اند نشان از اقبال گسترده به تاریخ‌نگاری جنگ در میان مسلمانان دارد. در این میان واقدی (متوفای ۲۳۰) از مشهورترین مغازی‌نویسان این نسل اولین کسی است که در تاریخ‌نگاری عصر خود تحول ایجاد کرد و مکتبی مستقل با عنوان مغازی‌نویسی را پایه‌گذاری و به مثابه یک علم مستقل مورد توجه قرارداد و حتی فتوح، مغازی و رده را مستقل از یکدیگر بررسی و در کدام آثاری تدوین کرد.

۱-۲-شیوه‌های تدوین مغازی

۱-۱-مشاهده مستقیم

برخی از مغازی‌نویسان به سبب انگیزه جدی که برای درج لحظه‌به‌لحظه اخبار حضور رسول خدا^{۱۰} در جنگ‌ها، شیوه‌های مدیریتی ایشان داشتند، کوشیدند تا علاوه بر سمع اخبار از شاهدان عینی، خود نیز به مناطق جنگی رفته و با مشاهده میدانی، موقعیت جغرافیایی میدان جنگ، مکان شهادت صحابه و یا مکان حضور آن حضرت را تشریح کنند. واقدی از جمله این افراد است که یک دهه از عمر خود را برای گزارش وضعیت این مناطق صرف کرد؛ کاری که در عصر حاضر تاریخ‌نگاران جنگ به آن اهمیت ویژه می‌دهند. به عبارتی هیچ مورخ تاریخ جنگ نمی‌تواند

۱-المغازی، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالمعاصر ۱۴۱۴ق. و نیز: العراجی، محمد بن محمد، م رویات الإمام الزهری فی المغازی، ۱۴۲۵ق.

۲-المبعث و المغازی و الوفاه و السقیفه و الرده، گردآوری رسول جعفریان، قسم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵ق.

۳-المغازی النبوی، تحقیق و ترجمه حسین مرادی نسب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.

۴-ابن اسحاق، المبعث و المغازی و السقیفه و الرده، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۸م.

۵-المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، ۱۴۱۳ق.

۶-الاستقاء بما تضمنه من مغازی رسول الله والثلاثة الخلفاء، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۷-الجامع فی السنن و الآداب و المغازی و التاریخ، حققه، محمد أبو الأجنفان، المکتبة العتیقة، تونس، ۱۴۰۳ق.

۸-غزوات ابن حبیش، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.

۹-الدرر فی اختصار المغازی و السقیفه و الرده، تحقیق، شوقی ضیف، دار المعارف، قاهره، ۱۴۰۰ق.



خود را از حضور در منطقه جنگی و مشاهده عینی منطقه بی‌نیاز بداند. واقدی گوید به فرزندان صحابه و شهدا و وابستگان آن‌ها نرسیدم مگر اینکه از آن‌ها پرسیدم، آیا از خانواده‌ات شنیده‌ای که شهادتگاه و قتلگاه آن‌ها کجاست؟ چون آگاهم می‌کرد برای بررسی عینی به آن موضع می‌رفتم.^۱ از آنجا که وی به این امر اشتهر یافته بود، هارون در موقع حج، از او خواست که وی را به محل غزوات آن حضرت راهنمایی کند. احاطه او به این امر تعجب هارون را برانگیخت و او را هزار درهم صله داد (واقدی، مقدمه).

این مورخان با این سبک در تاریخ‌نگاری روشی نو پایه‌گذاری و تاریخ را با جغرافیا و البته حدیث پیوند دادند که تحولی قابل توجه در تاریخ‌نگاری مسلمین به حساب می‌آید که تا قبل از آن سابقه نداشت (نک. واقدی، *المغازی*، ۱۲۲/۱، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۳۸، ۱۲۵/۲؛ همو، *فتح الشام*^۲، ۶۳، ۸۸، ۴۵/۱، ۱۵/۲، ۱۰۸، ۷۸؛ ابن حبیش، ۱۴۲-۱۱۳-۳۲-۶۱/۱، ۱۴۲-۱۱۳-۳۲-۶۱/۱)

۲-۱-۲- بهره‌گیری از شواهد شعری

بسیاری از شاعران ایام‌العرب، که زمان پیامبر ﷺ را درک کرده و مسلمان شدند (مخضرمین)، شعرشان را در قالبی دیگر با مضامینی حماسی در خدمت اسلام قرار دادند (قائدان، «تأثیر روایت ایام‌العرب»، ۱۳۹۰). آنان در جهاد علیه مشرکان در غزوات و فتوح حضور جدی یافتند و با اشعاری شجاعت آن مجاهدان را می‌ستودند چندانکه متون مغازی، مملو از همین شواهد شعری است (برای نمونه: ابن‌هشام، ۴۳-۸/۲، ۱۲۹-۱۶۸، ۱۹۵؛ واقدی، *المغازی*، ۹۰-۸۷/۱، ۱۲۵/۲، ۶۷۲/۳). موسی بن عقبه که خود در فتوح حضور داشته و مستقیماً شاهد این جنگ‌ها بود نیز از شعرا و راویان عصر ایام‌العرب بهره فراوان برده است (ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۳۰۰).

واقدی کوشیده است تا روایت‌های شفاهی و مکتوب صحیح را در المغازی

۱- البته شاید این ادعای نویسنده اندکی اغراق‌آمیز بهنظر برسد با این حال شاهدانی گفته‌اند واقدی را با کوله باری بر پشت در مدینه دیده‌اند که برای مشاهده مکان غزوات حرکت می‌کرده است (نک. مقدمه المغازی واقدی).

۲- این اثر به واقدی منسوب شده است.



۴- ردّه و فتن‌نگاری

جنگ‌های داخلی که می‌توان از آن‌ها با عنوان «بحران» یاد کرد با رحلت رسول خدا^{صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آله‌ی‌ہی و‌آل‌علی‌ہی} دامن‌گیر جامعه اسلامی شد. خلیفه تازه به مستند نشسته از پی‌سقیفه، یازده لشکر تدارک دید (واقدی، الردّه، ۷۰، ۷۲، ۸۱، ۹۲) و با قاطعیت تمام به بحرانی که در تاریخ از آن با عنوان «الردّه» یاد شده‌است پایان داد.

صرف نظر از اختلاف برداشتی که در مورد جنگ‌های ردّه وجود دارد (قائدان، «نگرشی نوین به بحران ردّه»، ۱۱-۱۳)، این بحران از دیدگاه دستگاه خلافت امری مهم تلقی شد که در صورت تداوم، می‌توانست به مدینه نیز سرایت کند و کار خلافت اسلامی را که هنوز آغاز نشده‌بود، به پایان رساند. به همین سبب، مورخان، به‌طور مستقل به ردّه‌نگاری پرداختند و از شجاعت‌های مسلمانان و تلاش‌های خلیفه برای سرکوبی آن سخن‌ها گفتند (واقدی، الردّه، ۴۸، ۸۶، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۶۲). آثار سیف

۱- عيون الاشرافی فنون المغازی و السیر، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۹ق.

۲- الدرر الفی اختصار المغازی و السیر، بیروت، دارالملائین، ۱۴۱۰ق.

جمع آوری کند و اسمای مجاهدان، شهدا و کشته‌های دشمن (۱/۱۵۲، ۴۵، ۳۰۰)، (۲/۷۵۶، ۷۵۰)، مکان جنگ و مسائلی چون سازمان‌دهی سپاه (۲/۶۷۰)، مسیر حرکت (۱/۱۱، ۲/۴۴۴، ۲۵، ۲۶، ۱۹۳، ۳۳۸)، طرز تجهیز سپاه و تدارکات آن (۱/۱۱، ۲/۲۱۸، ۱۹۷، ۹/۱)، کیفیت کسب اطلاعات از دشمن (۲/۳۹۵، ۶۵۸، ۶۶۴)، تاکتیک‌های جنگی (۱/۱۱، ۵/۳۴، ۵۳۷، ۵۴۶) را بدقت ثبت کرده و علاوه بر آن به مسائل معنوی از جمله روحیه شهامت و شهادت‌طلبی که از عوامل مهم در جنگ بشمار می‌رود نیز توجه کند (۱/۱۱۹؛ ۲/۱۴۲، ۴۴۳؛ ۲/۸۱۲).

۳- بهره‌گیری از شواهد قرآنی

وقدی و برخی دیگر از مغازی‌نویسان پیرو او از جمله ابن سید الناس^۱ و ابن عساکر^۲ با ذکر آیات نازل شده در غزوات و ذکر شان نزول آن‌ها و حتی با پرداختن به تفاسیر آن آیات اثر خود را نسبت به سایر آثار ممتاز ساخته‌اند (وقدی، مقدمه مارسلدن جونز).



بن عمر تمیمی (متوفای ۱۹۲)،^۱ واقدی،^۲ طبری (۳۱۰ق)،^۳ ابن یزید بغدادی (۳۱۱ق)،^۴ کلاعی البلنسی (متوفای ۶۳۴)^۵ امروزه از میان دهها آثار از میان رفته بازسازی شده‌اند. فتنه بُغات در عصر خلافت امام علی علیهم السلام، نیز به بحرانی فراگیر تبدیل شد که نخستین جرقه آن، بهانه قتل عثمان بود. قتل عثمان نیز به نوبه خود نوعی فتنه بود. در عصر حاضر اصطلاحاً این گونه رخدادها را «بحران پس از بحران» می‌نامند.^۶ در مجموع، رویکرد مورخان به ثبت این بحران‌ها باعث پدیدار شدن شیوه‌ای دیگر از تاریخ‌نگاری نظامی شد که می‌توان آن را «فتنه‌نگاری» نامید. دستاورد این نوع تاریخ‌نگاری ورود مورخان، به مباحث فقهی و کلامی و نیز ورود فقهاء به مباحث تاریخی یعنی تبیین احکام این گونه جنگ‌ها بود که موجب نزدیکی آن دو گروه به یکدیگر و ایجاد تحولاتی در مبانی فقهی شد و به عبارت امروزین «فقه سیاسی» یا «حقوق جنگ» پدید آمد. مباحثی از قبیل این‌که کدامیک از طرفین بر حق بودند و احکام برخورد با اهل قبله از حیث کشتن، اسارت مردان یا زنان و کودکان، اخذ اموال جنگی و غیرجنگی و نظایر اینها چیست و چگونه می‌توان از سیره امام علی علیهم السلام، در این خصوص بهره برد؟^۷ علامه حلی به طور مفصل به بحث پیرامون احکام فقهی مربوط به جنگ با اهل قبله پرداخته و آنان را به دو دسته «باغیان ذی فئه» و «باغیان غیر ذی فئه» تقسیم می‌کند (بنگرید: حلی، ۹۳۷/۱، قائدان، شریفی و باقری، ۲۸۸).

برای اشراف فقهاء به احکام این جنگ‌ها مورخان اقدام به تکنگاری‌هایی در این مورد کردند قدیمی ترین آثار این حوزه از جمله آثار عروه بن زبیر (متوفای ۹۲)،

۱- الرده، الفتوح، کتاب الجمل و مسیر عائشه و علی، تحقیق و تقدیم قاسم السامرائي، ریاض، دارالامیه، ۱۹۹۷م.

۲- الرده مع نبله من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثة الشیبانی ، تحقیق: یحیی الجبوری، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۴۱۰ق.

۳- آل یاسین، محمدحسن، نصوص الرده فی تاریخ الطبری، بیروت، دارمکتبه الحیاء، بی‌تا.

۴- اهل الملل و الرده و الزنادقه، مکتبه المعارف، ۱۴۱۶ق.

۵- الکفقاء، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۶- نک. قائدان: «امدیریت بحران‌های عصر امام علی علیهم السلام، فصلنامه مادریت بحران، ش ۱، ۱۳۸۵.

۷- نک. قائدان، «پیشینه حقوق جنگ در سیره و کفار امام علی علیهم السلام، مطالعات راهبردی بسیج، بهار ۱۳۹۲، ش ۵۸.



۵-فتحونکاری

استراتژی سیاسی خلفا، گسترش اسلام از طریق تهاجمات نظامی بود که از آن با عنوان «فتح» یاد می‌شود. خلیفه اول در حین سرکوبی بحران رده، جبهه دیگری گشود که کاری عاقلانه به نظر نمی‌رسید؛ اما ظاهراً او می‌خواست با گشودن آن، توجه مسلمانان را به نقطه دیگری جلب و جنگ‌های رده را بی‌اهمیت جلوه دهد؛ زیرا بخش

۱- او کتاب‌هایی در این موضوع داشته که همگی از بین رفته‌اند از جمله: مقتل امیر المؤمنین علیه السلام، مقتل حجر بن عدی، مقتل حسن بن علی علیهم السلام، کتاب الجمل، مقتل عثمان

۲- الغتنی و وقعة الجمل، تحقیق: احمد راتب عمروش، دار الفناش، ۱۴۱۳ق.

۳- الغارات، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۲۴ق.

۴- او کتاب‌هایی با عنوان الجمل، الصفين، داشته که از میان رفته‌است.

۵- پیکار صفين، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

۶- کتاب الغتنی، تحقیق: سعید امین الزهیری، مکتبة التوحید، القاهره، ۱۴۱۲ق.

۷- احکام أهل الملل والردة من الجامع لمسائل الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق: سید کسری، دار الكتب العلمیة، بیروت ۱۴۱۴ق.

ابومحنف (متوفای ۱۷۵)،^۱ سیف بن عمر (متوفای ۱۹۲)،^۲ ثقیی کوفی (متوفای ۲۰۰)^۳ و ابوعبدیله معمر بن مثنی (متوفای ۲۱۰)^۴ از بین رفته‌اند. با این همه برخی از آثار نویسنده‌گانی چون نصر بن مزاحم منقری (متوفای ۲۱۲)،^۵ نعیم بن حماد (متوفای ۲۲۸)^۶ و ابوبکر بغدادی الحنبلی (متوفای ۳۱۱)^۷ در دسترسند.

در فتن نگاری از شواهد شعری، بیان رجزهای حماسی به خوبی بهره برده شده است.

برای نمونه نصر بن مزاحم منقری که بخش‌های اعظم وقوعه الصفين او را همین شواهد شعری تشکیل می‌دهند (منقری، ۵۱۹-۵۱۲-۲۳۵، ۲۴۸) و یا ابومحنف، که روایات او اغلب قبیله‌ای و منقول از روایان ازدی، همدانی، طی، کنده و تمیم، با نگرش‌های قبیله‌ای یا ایام‌العرب همراه با شواهد شعری است (سجادی و عالم زاده، ۵۹-۶۱).

البته علاوه بر آن، فتنه خوارج که پس از جنگ نهروان تا چندین سده جامعه را درگیر خود ساخته بود و نیز شورش‌ها و قیام‌های متعدد دینی و سیاسی در عصر اموی و عباسی مورد توجه مورخان قرار گرفته که بخش‌هایی از تواریخ عمومی به گزارش آن درگیری‌ها اختصاص یافته است.



قابل توجهی از ماجرای رده، به مانعان زکاتی ارتباط داشت که مشروعیتی برای خلیفه قائل نبودند. سیاست توسعه سرزمینی در دو جبهه ایران و روم آغاز شد و تحولاتی چشمگیر در نوع و شیوه جنگ، تاکتیک و طرح ریزی عملیاتی، تسليحات و سازمان رزم رخ داد. مورخان جنگ، توجه ویژه‌ای به ثبت این فتوحات مبذول داشتند و شیوه جدیدی در تاریخ نگاری نظامی با عنوان «فتح نگاری» پدید آوردند. از آنجا که مجازی اصطلاحی برای جنگ‌های عصر رسول خدا^۱ بود مورخان فتوح، تمایلی به انتخاب آن عنوان برای این جنگ‌ها نداشته و نام فتوح بر آثارشان گذاشتند. دیگر این که هدف اساسی فتوح، گشودن سرزمین‌ها بود. فتوح‌نویسان شیوه کار خود را غالباً بر اساس حولیات (سال‌نگاری) متمرکز می‌کردند. اگرچه متأسفانه آثار نخستین فتوح‌نگارانی چون سیف بن عمر، ابو مخفف، موسی بن عقبه، ابن شهاب زهری، ابان بن عثمان، عروه بن زبیر از میان رفته است؛ اما اندک آثار باقیمانده از آن روزگار نیز نشان از اهتمام جدی به این امر دارد. دسته‌ای به طور اختصاصی کل فتوحات را در همه مناطق دنیا و به عبارتی فتوح‌نگاری عمومی کرده‌اند؛ مثل بلاذری (متوفی ۲۷۹^۲) و ابن اعثم کوفی (متوفی ۳۱۴^۳)، دسته‌ای دیگر نیز بر سرزمینی خاص مانند مصر، شام، عراق و سایر نقاط متمرکز و به صورت تخصصی تک‌نگاری کرده‌اند، مثل آثار بازسازی شده واقعی با عنوان: فتوح الجزیره و الخابور و دیار بکر و العراق،^۴ فتوح افریقیه،^۵ فتوح الاسلام للبلاد العجم و خراسان،^۶ فتوح سواد العراق،^۷ و دو تألفی که به او منسوب شده‌است، فتوح الشام^۸ و فتوح المصر والاسکندریه،^۹ محمد بن عبدالله ازدی (متوفی قرن ۲)،^{۱۰}

۱- فتوح البلدان، بیروت، دار ومکتبة الهلال ۱۹۸۸ م.

۲- الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.

۳- تحقیق عبدالعزیز فیاض حرفوش، دمشق، دارالبشایر، ۱۹۹۶م.

۴- تونس، مکتبة المنبار التونسي، ۱۹۶۶م.

۵- قاهره، مطبعة المحرosome، ۱۳۰۹ق.

۶- تصحیح نادر کریمیان، تهران، واعظی، ۱۳۷۴ش.

۷- تحقیق، صالح موسی درادکه، عمان موسسه حماده، ۲۰۱۱م.

۸- تصحیح و شرحه ریک آرنولد همقر، لیدن، بریل، ۱۸۲۵م.

۹- فتوح الشام، موسسه سجل العرب، قاهره، ۱۹۷۰م.

ابن عبدالحکم (متوفای ۲۵۷)،^۱ ابن حزم الاندلسی (متوفای ۴۵۶).^۲

۱-۵-ویژگی‌های فتوح نگاری

۱-۱-۵-مشاهده میدانی

از ویژگی‌های فتوح نگاران، حضور مستقیم برخی از آنان در مناطق جنگی و مشاهده عینی موقعیت جغرافیایی میدان جنگ بود. ثبت دقیق امکانات نظامی طرفین، بیان چگونگی سازمان دهی، سازمان رزم، ویژگی فرماندهان، فنون جنگی و نهایتاً نتیجه جنگ از مهم‌ترین ویژگی‌های این فتوح‌نویسان است.

۲-۱-۵-تأثیرپذیری از ایام‌العرب

مطالعه اجمالی گزارش فتوح نگاری‌ها نشان می‌دهد که همان روش‌های گزارش ایام‌العرب عصر جاهلی در آن تداوم یافته است. راویان روایت فتوح، بعضاً در پی طرح تفاحرات قبیله‌ای و نژادی، اشعار و رجزهای مبنی بر احساب، بزرگ‌نمایی‌ها و برجسته کردن پیروزی‌ها و نظایر اینها بودند. برخی نیز به سبب اینکه پیشتر روای ایام‌العرب در عصر جاهلی بوده و مهارتی نیز در شعر داشتند به همان شیوه به گزارش روایات فتوح پرداخته‌اند.^۳

۳-۱-۵-توجه به قصص

اگرچه قصص در دوران خلفای راشدین مهجور بود، اما در عصر بنی امية حیاتی دوباره یافت. قصاص و داستان‌سرایان بخش عمده‌ای از زمان و ذهن مخاطبان را برای شنیدن داستان‌های متعدد به‌ویژه در عرصه فتوح اشغال می‌کردند و حاکمان اموی به‌ویژه معاویه با حمایت از قصه‌پردازانی چون سیف بن عمر، صحار عبدی، عبیده بن شریه و وهب بن منبه (ابن قتبه، عيون الاخبار، ۱۹۱) می‌کوشیدند تا توجه مردم را از مبانی اعتقادی و سیره نبوی به سوئی دیگر منحرف سازند. در حالی که کتب فتوح،

۱- فتوح مصر والمغرب، مکتبة الثقافة الدينية، ۱۴۱۵ هـ و نیز فتوح افریقيا والأندلس، بیروت، مکتبه المدرسه، ۱۳۴۳ق.

۲- جمل فتوح اسلام بعد وفاة رسول ﷺ، بیروت، دارالایمان، بی‌تا.

۳- برای مطالعه بیشتر نک. قائدان، تأثیر ایام‌العرب بر فتوح و مغازی نگاری در عصر اسلامی، مطالعات تاریخ اسلام، س، ۹، ش ۱۳۹۰.

مملو از این داستان پردازی‌هast، سایر تأیفات تاریخی که فتوح را نیز گزارش کرده‌اند از جمله، تاریخ یعقوبی، تاریخ خلیفه، مروج‌الذهب و تجارب‌الامم، فاقد این گونه داستان پردازی‌hast.

۶. حماسه‌نگاری

وصف شجاعت‌های جنگاوران یکی از انگیزه‌های مهم شعراء برای سروden شعرهای حماسی بود که در عصر حاضر به آن «ادبیات مقاومت» یا «پایداری» گفته می‌شود. برخی از شعراء در آن جنگ‌ها حضور می‌یافتدند مسلمانان را به جنگ تهییح می‌کردند. بعدها برخی با گردآوری آن اشعار در قالب «حماسه نگاری» یا «ملحمه» گوشه‌هایی از زوايا و تاریخ جنگ را، البته بگونه‌ای اغراق‌آمیز به تصویر کشیدند. عده‌ای از شاعران ایام‌العرب مثل جنبد بنت عجلان (ابن هشام، ۲۰۲) و زبرقان بن بدر (متوفای ۴۵)، که عصر فتوح را درک کرده‌اند، اشعارشان مورد استفاده مغازی‌نگاران و فتوح‌نگاران قرار گرفته است (واقدی، الرده، ۶۸-۲۲۰؛ ابن هشام، ۱/۵۶۵-۵۶۲). پیامبر ﷺ در مورد عمروبن الهمقی از بزرگان تمیم در عصر جاهلیت و اسلام (ابن عبد ربہ، ۲۰۲/۱) که در یوم بسوس شعر می‌سرود، چنین فرمود: «در شعر حکیم و در سخنوری ساحر و جادوگر است» [او] (ابن اثیر، ۴/۸۷). اشعار خنساء تماضر، بنت عمروبن شرید (متوفای ۴۳)، نیز مورد پستد پیامبر ﷺ قرار گرفته است. او در جنگ قادسیه همراه چهار فرزندش حضور یافت و آنان را به شهادت در راه خدا فرامی‌خواند تا اینکه همه آنان شهید شدند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹، ۱۳). اشعار فراوانی از ابوذویب خویلد بن خالد هذلی (ابن هشام، ۱-۲۶۳-۴۸۴)، که در فتح شام حضور داشت و عباس بن مردادس السلمی (ابن قتیبه، المعارف، ۱۸۹)، که در ۲۰ غزوة و نبرد از جمله حنین حضور یافت مورد استفاده واقدی قرار گرفته است (ابن اعثم، ۱، ۹۱؛ واقدی، ۳-۵۳۸-۶۲۱-۶۲۶). شاعران فراوان دیگری که اشعار حماسی آنان در کتبی چون فحول طبقات الشعراء، اثر ابن سلام، المفضليات، اثر ضبی، طبقات الشعرا، اثر ابن قتیبه و المنھج فی تفسیر اسماء الشعرا الحماسه اثر ابن جنی از آنان یاد شده‌است. بعدها کسانی اشعار آنان را بطور مستقل فراهم ساخته و به تدوین کتب حماسه و دیوان



پرداختند^۱ از جمله اینها می‌توان به آثار ابوتمام طایبی،^۲ بختری،^۳ ابن جنی،^۴ شجری،^۵ ابن فارس^۶ بصری^۷ اشاره کرد.

۷. سیر نگاری (حقوق جنگ)

به سبب گسترش فتوح، طرز برخورد با دارالحرب، یکی از مهمترین مسائل جامعه اسلامی بود. مسائلی از قبیل طرز رفتار با ملل مغلوب، مبانی حقوق انسانی ساکنان دارالحرب، طرز رفتار با اسیران، زنان، کودکان و غیر نظامیان و به عبارت امروزین، اصول حقوق بشر دوستانه در جنگ، گرفتن غنیمت، فی، خراج و جزیه در مجموع باعث توجه به مبانی فقهی جنگ گردید. از آنجا که تاریخ نگاری نظامی ارتباطی طولانی، تعیین کننده و اساسی با روابط بین الملل دارد، با مبانی فقهی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ یافت. در این میان آنچه مهم‌تر می‌نمود، ماهیت نوع توسعه سرزمینی بود، این که آیا به صلح گشوده شده یا به عنوان (جنگ)، تا فقها بتوانند احکام آن را تدوین و میزان خراج، جزیه و عشر آنها را مشخص کنند (سرخسی، ۲/۱۰؛ کاشانی، ۷/۹۷). بر این اساس فقها با تبیین مبانی فقهی آن به مدد مورخان جنگ و نیز خلفا، امیران و فاتحان آمدند که در این خصوص گرفتار مشکلات متعددی شده‌بودند. از این رو برخی از فقها با بنیان گذاشتن علم «سیر نویسی» به عنوان یکی از اشکال تاریخ نگاری جنگ به ارائه راهکارهای عملی برای طرز تعامل در دارالحرب پرداختند. نخستین کسی که در این حوزه به کار تدوین «سیر» پرداخت ابوحنیفه بود. اما صحیح آن است که مبانی این علم را شاگردش محمد بن حسن شیبانی (متوفای ۱۸۹) پایه‌گذاری کرد و از نظرات استادش ابوحنیفه و مصاحبش قاضی ابویوسف سود جسته و نظرات خود را هم در

۱- نک. گئورگ ویلهلم فریتگ، *اشعار الحماسة و اربعة فهارس*، ۱۸۲۸م.

۲- ابوتمام حبیب بن اوس، *اشعار الحماسة*، ۱۸۵۱م.

۳- بختری، ابو عباده الولید بن عبید، *الحماسة*، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۳ق.

۴- ابن جنی، عثمان، *البیهیج فی تفسیر اسماء الشعرا* دیوان الحماسه، دمشق، مکتبه القدسی، ۱۳۴۸ق.

۵- ابن الشجري، هبة الله بن علی، *الحماسة*، دائرة المعارف العثمانیه دکن، ۱۳۴۵ق.

۶- ابن فارس، احمد، *الحماسة*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۵ق.

۷- بصری، علی بن ابی الفرج، *الحماسة البصریه*، قاهره، مجلس الاعلی، ۱۴۰۸ق.



کتابش با عنوان *الاصل* یا *المبسوط*، که جز یک قسمت آن باقی نمانده است،^۱ ارائه کرده است. این اثر از نخستین آثار مهم در این زمینه است و در اهمیت آن همین بس که یک کرسی در دانشگاه جورج واشینگتن و هاپکینز و برخی از دانشگاه‌های انگلستان به شیبانی و کتاب او و در حقیقت حقوق بشر اسلامی اختصاص یافته است.^۲

فقهای متقدم، موضوع «سیر» را یا در بخش جهاد و یا در ابواب جنگ با اهل رده و امان‌نامه‌ها بررسی کرده‌اند (مالك بن انس، ۴۷۱-۴۴۳ / ۲؛ شافعی، ۱۴۷/۴). در هر حال عده‌ای چون ابو حنیفه (متوفای ۱۵۰)، سفیان ثوری (متوفای ۱۶۱)، ابویوسف (متوفای ۱۸۲)^۳، ابواسحاق فزاری (متوفای ۱۸۸)^۴، شیبانی (متوفای ۲۳۹)، اووزاعی (متوفای ۱۵۷)^۵، شافعی (متوفای ۲۰۴)^۶، سرخسی (متوفای ۴۸۳)^۷ و ابن قیم الجوزیه (متوفای ۷۵۱)^۸ ابعاد حقوقی و فقهی جنگ و نیز عده‌ای چون ابویوسف (متوفای ۱۵۰)^۹، یحیی بن آدم (متوفای ۲۰۳)^{۱۰}، قدامه بن جعفر (متوفای ۳۳۷)^{۱۱}، ابوعیید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴)^{۱۲} و ابن زنجویه (متوفای ۲۵۱)^{۱۳} ابعاد اقتصادی و مالی جنگ را مورد عنایت و توجه قرار دادند. برخی از فقهای شیعه نیز در ابوابی از کتب فقهی خود به این مسائل پرداخته‌اند.^{۱۴}

۱- کتاب *السیر والخارج والعشر من كتاب الاصل*، تصحیح مجید خدوری، بیروت ۱۴۱۰ق.

۲- نک. قائدان، شریفی، «قواعد حقوق جنگ در اندیشه فقهاء شیعه و مقایسه آن با قوانین حقوق بشر دوستانه در عصر حاضر»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۴۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ق.

۳- الردعلی سیر الأوزاعی، تصحیح ابوالوفاء افغانی، قاهره، ۱۹۳۹م. و نیز کتاب الآثار، قاهره-۱۳۵۵ق.

۴- *السیر*، تحقیق فاروق حماده، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۷م.

۵- شافعی، الام، کتاب *سیر الأوزاعی*، قاهره ۱۳۲۵ق.

۶- همان.

۷- شرح *السیر الكبير* محمد بن حسن شیبانی، صلاح الدین المنجد، قاهره، ۱۹۵۷م.

۸- *أحكام أهل السنة*، تحقیق یوسف بن أحمد البکری، رمادی للنشر، عربستان، ۱۴۱۸ق.

۹- *الخارج*، تحقیق طه عبد الروف سعد، المکتبة الأزهریة، قاهره ۱۳۵۴ق.

۱۰- *الخارج*، المطبعة السلفیة، ۱۳۸۴ق.

۱۱- کتاب *الخارج و صنعته* الکتابیه، تحقیق، محمد حسین الزبیدی، بغداد، ۱۹۸۱م.

۱۲- *الاموال*، تصحیح محمد حامد الفقی، قاهره، ۱۳۵۳ق.

۱۳- کتاب *الأموال*، تحقیق ابو محمد السیوطی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۷ق.

۱۴- نک. قائدان، شریفی همانجا.



ب- عوامل مؤثر بر تاریخ‌نگاری نظامی

۱- تحول در فن آوری نظامی

با گستردگی و پیچیده شدن جنگ‌ها و انتقال درگیری‌ها از صحراء به شهرها و جنگ‌های محاصره‌ای و همچنین از جنگ‌های زمینی به دریایی، مسلمانان توانستند در زمینه‌های فن آوری نظامی و نیز رسته‌های تخصصی به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. یگان‌ها و رسته‌هایی چون منجنیق‌اندازان، دباییون و نفت‌اندازان زمانی شکل گرفت که مسلمانان موفق شدند به سلاح‌های سنگین و تهاجمی دست یابند. بدیهی است گسترش این نوع سلاح‌ها تنها در سایه دستیابی به فن آوری آن‌ها امکان‌پذیر بود. از این‌رو توانستند با ساخت انواع منجنیق‌ها، دبایه‌ها، کشتی‌های جنگی و نظایر اینها به پیشرفت‌های مهمی دست یابند،^۱ از این‌رو برخی از متخصصان نظامی نیز برای تسریع در روند این تحول، در عرصه فناوری نظامی و نیز آموزش شیوه‌های کاربرد آن‌ها دست به تأثیفات تخصصی زدند.

قدیمی‌ترین اثری که به صورت تخصصی در این زمینه نگاشته شده است باید به اثر ابو سعید اصمی (متوفای ۲۱۶)^۲ اشاره کرد. پس از او کنده، سورخ شهیر مصری (متوفای ۲۵۴)^۳ است که در کتاب خود به ارائه روایات در مورد شمشیر و مجاهدت با آن در راه خدا و نیز انواع و طرز ساخت آنها پرداخته است.

نخستین کسی که در عصر اسلامی به تأثیف یک دائرة المعارف جامع تخصصی پیرامون فن آوری سلاح دست زد طرسوی (متوفای ۵۸۹)^۴ بود. او که در دوران صلاح‌الدین ایوبی می‌زیست کتابی در این خصوص به خواست او نگاشت و انواع تسليحات، اعم از تهاجمی و تدافعی، جمعی و انفرادی را تشریح و کاربرد آن‌ها را بیان کرد. او علاوه بر آن، از آداب و اصول جنگ، سازمان‌دهی نظامی و یگان‌های رزمی نیز

۱- نک. قائدان، سازمان رزم و سازمان‌دهی نظامی در عصر اسلامی از آغاز تا عصر عباسی، دانشگاه امام حسین (ره)، ۱۳۸۵.

۲- السلاح، حقه محمد جبار المعید، بیروت، بی‌نا.

۳- السیوف الـتی کانت عـنـد الـعـرب و اـجـانـسـهـا، تـحـقـيق عـبدـالـرـحـمـن زـكـيـ، بـيـرـوـتـ، مـكـتبـهـ الثـقاـفـهـ، ۲۰۰۱ـمـ.

۴- تبصرة ارباب الباب فی کیفیة النجاة فی الحروب مع الاعداء (الموسوعة الصلحه القديمه) بیروت، دارالجبل،



سخن گفت. اثر طرسوسی از آنجا اهمیت و ارزش ویژه‌ای می‌یابد که با ارائه طرح‌ها و ترسیم اشکال بسیار دقیق این سلاح‌ها و قطعات آن‌ها روش‌های ساخت و به‌کارگیری آن‌ها را نیز به‌خوبی تشریح کرده است.

ابن اربنغا الزردکاش (متوفی ۸۶۷) نیز اثر خود را به سلطان برقو، از ممالیک شام هدیه کرد و چون صرفاً اختصاص به منجنیق و کاربرد آن داشت کتابش را *الانیق فی المناجنیق* نام نهاد.^۱ او ضمن وصف، طرز ساخت و تشریح انواع منجنیق و کارکرد آنها اعم از منجنیق‌های ایرانی، عربی، رومی، ترکی و انواع گلوله‌های آن‌ها به ترسیم دقیق اشکال آنها، ابزارهای قیاس مسافت، انواع نرdban‌های حصار، زحافه، دبابه و نظایر اینها پرداخته و از این رو جذایت خاصی به اثرش داده که حجم عمدۀ تأليف او به همین اشکال و تصاویر اختصاص یافته است. نجم الدین حسن الرماح احدب که خود یکی از صاحب‌نظران و سازندگان سلاح در عصر ممالیک بود، در کتاب خود^۲ به تشریح و وصف سلاح‌های سبک مخصوص سواره نظام از جمله نیزه، شمشیر، کمان، سپر، گرز و سلاح‌های سنگین مثل منجنیق، مواد اشتعال‌زا مثل نفط و نهایتاً طرز استفاده از آتش افکن‌ها در جنگ پرداخته است.

۲- پیچیده و تخصصی شدن اشکال جنگ

پس از گسترش فتوحات و آشنايی مسلمانان با ممالک ديگر و نهايتأً بهره‌برداری از فن آوري آنان، جنگ‌های مسلمانان نيز چندان پیچيده‌تر شد که پیروزی در آنها در گرو برخورداری از راهبرد نظامی، روش‌های نوين جنگی، تسلیحات پیچیده و سنگین، سازمان‌دهی متحول شده برحسب جنگ و در نهايیت آداب و هنر جنگ بود. ازان رو برخی از متخصصان و اندیشمندان اسلامی به‌جای وصف صرف ذکر وقایع و رویدادهای جنگی، به ارائه آن چیزی پرداختند که امروزه «هنر جنگ» خوانده می‌شود و در این زمینه میراث گران‌بهایی از خود بر جا گذاشتند.

نخستین کسی که در آداب و فنون جنگ دست به تأليف زد هرثمنی شعرانی (قرن

۱- الفرسیه و المناصب الحربية، تحقيق احسان هندي، دارالمعارف، مصر، ۱۹۸۹م.

۲- تحقيق عيد ضيف العبادي، بغداد، وزارة الثقافة، ۱۹۸۰م.



سوم) مصاحب مأمون، خلیفه عباسی بود. او علاوه بر این که یک فرمانده نظامی است، نظریه‌پردازی عمیق در اصول جنگ نیز به حساب می‌آید. کتاب حجیم او با عنوان *الحیل فی الحروب*، که خود آن را با عنوان مختصر *سياسة الحروب* تلخیص کرد، امروزه در دست است. وی عمدتاً بر هنر جنگ و مباحث مرتبط با آن از جمله ویژگی‌های یک فرمانده، وجوب احتیاط در برابر دشمن، حفاظت اطلاعات، انتخاب جاسوسان، ترددات جنگی، بسیج نیرو، سازمان رزم، سازمان دهی، هشیاری به هنگام استقرار در اردوگاه و نظایر اینها متوجه شده است (هرثی، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۴۵، ۶۵، ۸۹، ۹۴).

ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۶) اندکی پس از هرثی تألیفی بس گران‌بها تدوین کرد که در فصولی از آن درباره اصول جنگ است و او آن را *اعیون الاخبار* نامید، زیرا پایه اصلی آن بر یک متن آموزشی آئین جنگ از عصر ساسانی استوار شده بود. متن مذکور با نام آئین نامک توسط بهرام چوپین نگاشته شده و ابن مقفع آن را از پهلوی سasanی به عربی ترجمه کرده بود. ابن قتیبه در باب *الحرب*، به آراء هندی‌ها و ایرانی‌ها پیرامون اصول جنگ پرداخته و معتقد است مسلمانان از آنان بهره برده‌اند. او روش‌های جنگی، ویژگی‌های یک فرمانده، آداب سوارکاری، حرکت و مانور در رزم، صفات و ویژگی اسب‌ها و نظایر اینها را به خوبی تشریح کرده است (نک. ابن قتیبه، باب *الحرب*).

ابوبکر هروی (متوفای ۴۸۹) نیز از کسانی است که به طرح نظرات خود درباره اصول و مبانی جنگ پرداخته و ضرورت جمع‌آوری آلات و ادوات جنگ توسط سلطان، طرز برخورد با دشمن و حیله‌های جنگی، کتمان اسرار، ارسال سرایا، تحریض به جنگ و نظایر اینها را شرح داده است (هروی، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۲).^۱

اما علاوه بر اعراب، ایرانیان مسلمان نیز در این عرصه ورود یافته‌اند، فخر مدبر ملقب به مبارکشاه در اثر خود آداب *الحرب* و *الشجاعه*^۲ که از متون ارزشمند فارسی قرن ششم است به رسوم جنگاوران، صفات آرایی و انواع سلاح‌ها، تربیت اسب و معالجه بیماری آنها، فرماندهی لشکر و سپاه و نیز هنر رزم آوری و پهلوانی از جمله گوی و چوگان و زور آزمودن و کشتی گرفتن و جنگ مشت کردن و سنگ فلاخن انداختن و نظایر اینها

۱- ترجمه اصغر قائدان، تاریخ اسلام بهار، ۱۳۸۵، شماره ۲۵.

۲- تصحیح سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۴۶، ۱۳.

پرداخته است.

در خصوص سازماندهی در جنگ، ابن منکلی بغا ناصری (متوفای ۷۸۴) تألیفی با عنوان *الادلة الرسمية في التعابير الحربية* برای سلطان قایتبای (متوفای ۸۷۳) از ممالیک مصر فراهم ساخت که در آن به طور مفصل به سازماندهی و انواع آرایش نظامی، وظایف یگان‌های رزم، جنگ‌های محاصره‌ای و نهایتاً جنگ‌های دریایی پرداخت (ابن منکلی بغا، ۴۱، ۳۶، ۴۷، ۲۵، ۳۴، ۲۲). تألیف او را شاید بتوان در موضوع سازماندهی نظامی تنها کتاب جامعی دانست که این موارد را به خوبی و با جزییات دقیق تشریح و تأثیف شود را به آیات قرآنی و روایات، مستند ساخته است.

المخزون الجامع الفنون تأليف مقداد بن اسود مشهور به ابن حزام از قرن نهم، که نسخه خطی آن دارای تاریخ ۹۷۵^۱ نیز در مورد فنون و آداب جنگ، سازماندهی، روش‌های جنگ و محاصره دشمن، سوارکاری، اشکال مختلف آرایش جنگی سواره نظام، تیراندازی با کمان و نیزه است که با تصاویر و اشکال بسیار زیبا و فراوان، ارزش دوچندان یافته است. کتاب *السعى المحمود في ترتيب الجنود*، تأليف زین الدین عبدالقادر فاکهی از قرن هشتم، که نسخه خطی آن در کتابخانه دانشگاه الازهر موجود است، تجنبی لاجناد و جهات الجیاد، تأليف بدرالدین بن محمد کتانی الحموی و نیز تعبیه الجیوش^۲، که به هر جنگ و سازماندهی نظامی اختصاص دارند از دیگر مواریت تمدنی در حوزه تاریخ‌نگاری تخصصی نظامی است.

اما برخی از آثار نیز به صورت تکنگاری‌هایی تخصصی در موضوع الفرسیه یا سوارکاری به نگارش درآمده که نشان از اهمیت این رسته دارد. وهب بن منبه (متوفای ۱۱۴) از تابعین و از راویان مشهور قصص در عصر بنی امية برای نخستین بار کتابی با عنوان *فى علم سياسة الخيل* نوشت که در آن به ذکر روایات رسول خدا ﷺ در تشویق به سوارکاری و یادگیری آن، انواع اسب‌ها به لحاظ نژاد، صفات، امراض، شکستگی دست و پاهای اسب و طرز معالجه آنها، کالبدشکافی جوارح اسب و نیز انواع آرایش سواران، سلاح‌ها، مسابقه سوارکاری و آموزش با آن پرداخته است (وهب بن منبه، فی

۱- کتابخانه ملی فرانسه مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ۲۸۲۴

۲- بیروت، بي تا، ۱۸۸۰م.

علم سیاسه الخیل، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۸.).

ابوعبیده معمر بن مثنی^۱ نیز در اثر خود *الخیل* در این باره به شرح اعضا، نامها و صفات اسبان از جمله نژاد، رنگ و چگونگی حرکت آنها پرداخته است. یکی از ویژگی‌های این اثر ذکر اشعار شاعران کهن عرب درباره اسب است. او کتاب دیگری نیز در همین موضوع نگاشته است.^۲

نجم الدین حسن الرماح معروف به احدب (۶۹۵ق) از دیگر متخصصان این حوزه است که خود و پدرش در ساختن نیزه و ادوات جنگی مهارت داشته‌اند. او سه اثر در این موضوع دارد. در نخستین اثر که نسخه خطی بسیار زیبایی از آن همراه با ده‌ها تصویر و نقاشی موجود است با عنوان *علم الفروسیه و المنازله مع الفرسان والاجتماع مع الاقران*^۳ نگاهی به فنون سوارکاری، آموزش، مسابقات مربوط به آن، سازماندهی سواره نظام و اشکال آن، مبارزه تن به تن و نظایر اینها دارد. عمدۀ مباحث کتاب دیگرش هم با عنوان *المخزون لارباب الفنون فی الفروسیه ولعب الرمح وبنودها*^۴، مربوط به فنون سوارکاری و هنرهای رزمی با اسب و شکار و اشکال مختلف آن است که همه مباحث را با ترسیم شکل‌های زیبایی در نسخه خطی آن به تاریخ ۹۸۶ هجره ساخته است.^۵

ابن قیم جوزی (متوفی ۷۵۱)^۶ نیز در اثری اختصاصی به آموزش سوارکاری و مهارت در استفاده از اسب در جنگ، مسابقه با اسب و شتر، انواع اسب‌ها و حتی بیطاری آن‌ها پرداخته است. همچنین کتابی با عنوان *الفروسیه از نویسنده‌ای متعلق به قرن هشتم*، که نام او در نسخه خطی آن قید نشده، به سوارکاری در جنگ و استفاده از نیزه پرداخته است. این نسخه نیز به سبب وجود تصاویر، اشکال و نقاشی‌های متعلق به دوره تیموری، نسخه‌ای ارزشمند به حساب می‌آید.^۷

۱- *الخیل*، دکن، حیدرآباد، بی‌نا، ۱۳۵۸ق.

۲- *الدیباچه*، به کوشش عبدالله بن سلیمان جربوع، قاهره، بی‌نا، ۱۴۱۱ق.

۳- کتابخانه ملی فرانسه، مرکز نسخه‌های خطی عربی، شماره ۲۸۲۵.

۴- تصحیح عمر عبدالسلام تدمیری، بیروت، المکتبه العصریه، ۲۰۱۶م.

۵- کتابخانه ملی فرانسه، مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ۲۸۲۶.

۶- *الفروسیه*، عراق، دارالشیون الثقافیه العامه، ۱۹۸۷م.

۷- کتابخانه ملی فرانسه، مجموعه نسخ خطی عربی، شماره ۲۸۲۵.



در همین موضوع کتاب دیگری از سوی محمدبن عیسی حنفی (قرن ۸)^۱ نوشته شده که بیشتر به آموزش سوارکاری و سازماندهی و اشکال آن پرداخته است. همچنین باید به تأثیر عبدالمومن دمیاطی (متوفی ۷۰۵)^۲ هم اشاره داشت که به جمع‌آوری روایات در مورد اسب و سوارکاری و نیز ویژگی‌های آن پرداخته است.

نتیجه

اهمیت جنگ و تقدس جهاد در کنار رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} و پس از ایشان، آغاز عصر فتوح و توسعه سرزمینی، گستردگی میادین جنگ، پیچیده‌تر شدن و تخصصی شدن آن، فن‌آوری و توسعه تسليحات، تنوع شیوه‌ها و هنر جنگ، مباحث مربوط به حقوق جنگ و نیز مسائل مالی و در حقیقت اقتصاد جنگ باعث شکل‌گیری گونه‌ای از تاریخنگاری یعنی «تاریخنگاری نظامی» شد. این امر بسیاری از مورخان را بر آن داشت تا بخش عمدی از تلاش‌های خود را به ثبت و قایع جنگ‌ها اختصاص دهند. در این میان عده‌ای نیز به طور تخصصی تاریخنگاری نظامی را حرفه خود قرار داده و آثار بسیار ارزشمندی در این زمینه از خود بر جا گذاشته‌اند. برخی از این افراد در مقام فرماندهی یا به عنوان نظامی به ثبت مشاهدات خود پرداخته‌اند و به گونه‌ای تخصصی شیوه‌ها و کیفیت جنگ، آرایش و سازماندهی، تسليحات و نظایر اینها را بیان کرده‌اند. حضور آنان در میادین جنگی از یک طرف و آگاهی از شیوه‌های علمی تاریخنگاری، موقعیت ویژه‌ای به آنان داده و متون آنان را متقن و ارزشمند ساخته است. اثبات قابل توجه بر جای مانده و از میان رفته این میراث تمدنی در اسلام نشان از توسعه و دایره وسیع این نوع تاریخنگاری و اهمیت آن در میان مسلمانان دارد و می‌توان به جرأت چنین مدعی شد که تدوین این حجم از آثار و تنوع در آن، در تاریخنگاری جنگ امپراطوری‌های نظامی از جمله ایران، یونان و بیزانس بی‌سابقه بوده است.

۱-نهایه السئول و الامنيه فى تعلم اعمال الفرسونية، دمشق، داركتان، ۱۴۳۰ق.

۲-دمیاطی المصری، شرف الدین عبدالمومن، فضل الخیل، تصحیح نظام محمد صالح، کویت، دار

منابع

- ابن اعثم كوفي، ابى محمد، *الفتوح*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٦ق.

ابن حبيش، عبد الرحمن، *غزوات ابن حبيش*، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٩ق.

ابن عبدربه اندلسى، *العقد الفريد*، مقدمه عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتب العربي، بى تا.

ابن قبيه دينورى، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *المعارف*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٧ق.

همو، عيون الاخبار، دارالكتب المصريه، قاهره، ١٣٤٦ق.

ابن كثير دمشقى، أبو الفداء إسماعيل، *السيرة النبوية*، تحقيق مصطفى عبد الواحد، دار المعرفة للطبعه، بيروت، ١٣٩٥ق.

ابن منكلى بغناصرى، محمد بن محمود، *الادلة الرسميه فى التعابى الحربيه*، تحقيق محمود شيت خطاب، بغداد، مجمع العلمى العراقي، ١٤٠٩ق.

ابن هشام، ابو محمد عبد الملك، *السيرة النبوية*، تحقيق محى الدين عبد الحميد، قاهره، ١٣٥٦ق.

ابوالفرج اصفهانى، على، *الاغانى*، بيروت، داراحياء التراث، بى تا.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، *تذكرة الفقهاء*، قم، مؤسسه اهل البيت، ١٤١٣ق.

ذهبى، شمس الدين محمد، *تاريخ الاسلام*، تحقيق عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتب العربي، ١٤١٠ق.

همو، سير اعلام النبلاء، تصحيح شعيب ارنووط، بيروت، موسسه الرساله، ١٤٠٦ق.

سجادى، سيد صادق، عالم زاده، مهدى، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران، سمت ١٣٨٤ش.

سرخسى، شرح السير الكبير لمحمدبن حسن شيباني، قاهره، صلاح الدين المنجد، ١٩٥٧م.

شافعى، محمد بن ادريس، *الام*، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.

عواجمى، محمد بن محمد، مرويات الإمام الزهرى في المغازى، بى تا، ١٤٢٥ق.



- قائدان، اصغر، «تأثیر روایت ایام العرب بر مغازی نویسی و فتوح‌نگاری در عصر اسلامی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۹، دوره نهم، ۱۳۹۵ش.
- همو، «حران ردّه»، *مجله مصباح*، ش ۷، ۱۳۷۴ش.
- همو، «مدیرت بحران‌های عصر امام علی(ع)»، *فصلنامه مدیریت بحران*، ش ۱، ۱۳۸۵ش.
- همو، «مقایسه و پیشینه قوانین موضوع حقوق جنگ معاصر در سیره و گفتار امام علی(ع)»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۵۸ بهار ۱۳۹۲.
- قائدان؛ شریفی طرازکوهی، باقری، «قواعد حقوق جنگ در اندیشه فقهای شیعه و مقایسه آن با قوانین حقوق بشر دوستانه در عصر حاضر»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، س ۴۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
- کاشانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع*، قاهره، بی‌نا، ۱۳۲۸ق.
- موسی بن عقبه، *المعازی النبویه*، تحقیق و ترجمه حسین مرادی نسب، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش.
- مالک بن انس، *الموطأ*، تصحیح محمد فواد عبدالباقي، دارالدعوه، استانبول، ۱۹۸۱م.
- وهب بن منبه، *فی علم سیاسة الخيل*، کتابخانه ملی فرانسه، مجموعه نسخ خطی، ش ۲۸۴۵.
- مرادی نسب، حسین، «مروری بر کتاب مغازی موسی بن عقبه»، *حوزه و دانشگاه*، ش ۲۵ و ۲۶.
- همو، موسی بن عقبه پیشگام در سیره‌نگاری، تهران، نشاط، ۱۳۸۲ش.
- واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، بی‌نا، ۱۴۰۴ق.
- همو، *كتاب الردّه مع نبله من فتوح العرق و ذكر المثنى بن حارثة شيباني*، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- همو، *فتوح الشام*، موسسه سجل العرب، قاهره، ۱۹۷۰م
- هرثی، مختصر سیاسه الحروب، تحقیق عبدالرؤوف عون، مصر، موسسه المصريه العامه، ۱۹۶۴م.
- هروی، علی بن ابوبکر، «رسالة التذكرة الheroية في فنون الحرب»، ترجمه اصغر



- قائدان، تاریخ اسلام، شن، ۲۵، س، ۱۳۸۵.
- یعقوبی، مهدی و منتظری مقدم، حامد، «بررسی دانش مغازی نگاری با تأکید بر مغازی واقعی»، معرفت، سال ۲۳، شن، ۱۹۶، (۱۳۹۳ ش).
- Dupuy, R. Ernest and Trevor N. Dupuy. *The Encyclopedia of Military History: From 3500 B.C. to the Present* (1977), 1465 pp.